

The Impact of Governance Quality on Public Debt Volume: OPEC Countries Evidence

Ehsan Rajabi¹, Hojat Ghasemi Ghaleh²

Abstract

The issue of public debt management and deviations from optimal debt policy for developed and developing economies has attracted much political as well as academic attention. Theoretically, improving the quality of institutions and taking steps towards achieving good governance can help countries manage public debt effectively. This study examines how governance affects public debt accumulation in 15 member countries of the Organization of the Petroleum Exporting Countries (OPEC) over the period 2004-2016. Six global governance indicators (right to voice and accountability, political stability and absence of violence/terrorism, government effectiveness, regulatory quality, rule of law, and control of corruption) were used to measure the quality of governance in these countries. By extracting research model data from the World Bank and the International Monetary Fund using four dynamic panel data regression estimation methods including differential and generalized method of moments (GMM), one-stage and two-stage, to test that governance quality has a negative effect on public debt, significantly. The research findings indicate a negative effect of political stability and absence of violence/terrorism indicators, regulatory quality and control of corruption on the public debt-to-GDP ratio. The indicators of the right to express opinions and accountability, government effectiveness, and rule of law have no significant effect on the level of government debt accumulation, and in the case of the regulatory quality index, it even increases the accumulation of public debt. These findings have important implications for policymakers in these countries, which are currently facing major fiscal

1. Corresponding Author: Assistant Professor, Agricultural Planning, Economic and Rural Development Research Institute (APERDRI). Tehran. Iran.

rajabi.ehsan63@gmail.com

2. Master of Management, Faculty of Islamic Governance, Islamic Azad University, Isfahan Branch, Isfahan, Iran.

rae1363@yahoo.com

and external imbalances due to high costs of war and terrorist attacks, low oil prices and declining trade. Proper management of public debt is an urgent task, especially since public debt management problems often stem from policymakers' lack of attention to the costs of bad governance and poor macroeconomic management.

Keywords: Public debt, good governance, OPEC countries, Panel Data analysis, institutional quality



تأثیر کیفیت حکمرانی دولت بر حجم بدهی عمومی: کشورهای عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت OPEC

احسان رجبی^۱، حجت قاسمی قلعه^۲

پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۱/۲۴

چکیده

مسئله مدیریت بدهی عمومی و انحراف از سیاست بدهی بهینه برای اقتصادهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، توجه سیاسی و دانشگاهی زیادی را به خود جلب کرده است. به لحاظ نظری بهبود کیفیت نهادها و گام برداشتن در راستای تحقق حکمرانی خوب می‌تواند به کشورها برای مدیریت مؤثر بدهی‌های عمومی کمک کند. این مطالعه، به بررسی چگونگی تأثیر حکمرانی بر انباشت بدهی عمومی در ۱۵ کشور عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در دوره ۲۰۰۶-۲۰۱۶ می‌پردازد. شش شاخص حکمرانی جهانی (حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت/تروریسم، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) برای سنجش کیفیت حکمرانی در این کشورها استفاده شد. با استخراج داده‌ها، از بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و با روش‌های گشتاور تعمیم‌یافته (GMM) سیستمی و دو مرحله‌ای الگوی پژوهش برآورد شد. یافته‌های پژوهش، حاکی از تأثیر منفی و معنی‌دار شاخص‌های «ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت/تروریسم» و «کنترل فساد» بر نسبت بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی است و شاخص‌های «حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی»، «اثربخشی دولت» و «حاکمیت قانون»، هیچ تأثیر معناداری بر سطح انباشت بدهی‌های دولت ندارد و در مورد شاخص «کیفیت مقررات» حتی سبب افزایش انباشت بدهی‌های عمومی می‌شود. این یافته‌ها پیامدهای مهمی برای سیاست‌گذاران این کشورها دارد که به دلیل هزینه‌های زیاد جنگ و حملات تروریستی، قیمت پایین نفت و کاهش تجارت، بدهی عمومی با عدم تعادل‌های مالی و خارجی عمده‌ای روبه‌رو است. مدیریت صحیح بدهی عمومی توسط دولت‌ها، وظیفه‌ای فوری است، به‌ویژه اینکه مشکلات مدیریت بدهی عمومی بیشتر ریشه در توجه‌نکردن سیاست‌گذاران به هزینه‌های حکمرانی بد و مدیریت ضعیف اقتصاد کلان دارد.

واژگان کلیدی: حکمرانی، حکمرانی سالم، خط‌مشی‌گذاری عمومی، نظریه داده‌بنیاد.

۱. نویسنده مسئول: استادیار پژوهشی مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصادکشاورزی و توسعه روستایی، تهران، ایران
rajabi.ehsan63@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد مدیریت، دانشکده حکمرانی اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان، اصفهان، ایران
rae1363@yahoo.com

مقدمه

حکمرانی خوب مفهومی است که بر اساس معیارهای خاص، حکمرانی را حاصل تعامل و ارتباط متقابل دولت و کنشگران جامعه مدنی (سازمان‌های غیردولتی، بخش خصوصی، گروه‌های ذی نفوذ و رسانه‌ها) به‌منظور دستیابی به توسعه در هر کشوری می‌داند. معیارها و مصداق‌های حکمرانی خوب عبارت است از: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخ‌گویی، وفاق عمومی، حقوق مساوی، اثربخشی و کارایی و مسئولیت‌پذیری. اما در نقطه مقابل، حکمرانی بد به تحمیل هزینه پرداخت رشوه به مقامات دولتی در جامعه منجر می‌شود. چنین شرایطی به این دلیل پدید می‌آید که حکمرانی بد بسیار شایع‌تر از حکمرانی خوب است و فساد، یکی از علت‌های اصلی آن به‌شمار می‌رود. این پدیده در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، کیفیت خدمات اجتماعی از قبیل بهداشت و آموزش را کاهش، و نهادهای مجریان قانون، همچون نیروی پلیس را تحت تأثیر قرار داده است. در کشورهای مبتلا به حکمرانی بد، زمانی که مقامات دولتی، خدمات مورد تقاضای مردم را براساس ضوابط ارائه ندهند، آنها به روابط متوسل می‌شوند و یا به پرداخت رشوه دست می‌زنند تا بتوانند خدمات مورد نیازشان را دریافت کنند. اما در کشورهای برخوردار از حکمرانی خوب، شهروندان می‌توانند به‌صورت طبیعی، آنچه را که از حکومت نیاز دارند از طریق فرایندهای اداری دریافت کنند. اقدامات سیاستمداران فریکار به‌منظور به‌دست‌آوردن آرای مردم در انتخابات، فرار مالیاتی یا کسب سودهای سرشار در قراردادهای کلان مربوط به خرید تجهیزات نظامی یا اجرای طرح‌های زیرساختی عظیم، سوء استفاده از منافذ قانونی موجود، همگی به افزایش بدهی‌های دولت‌ها منجر می‌شود و از مصداق‌های حکمرانی بد است.

در طول دهه گذشته در بیشتر کشورهای جهان، بدهی‌های دولت‌ها رشد فزاینده‌ای داشته است؛ همچنین پژوهشگران بسیاری در توضیح دلایل و آثار ممکن بدهی عمومی بر رشد اقتصادی کوشیده‌اند (طارق و احمد، ۲۰۱۷: ۴). برخی مطالعات اثبات کرده است که ارتباط میان بدهی عمومی و رشد اقتصادی تنها به اندازه بدهی‌ها و نه به کیفیت سیاست‌ها و نهادها بستگی دارد. در مقابل مطالعات دیگری بر نقش نهادها و کیفیت حکمرانی ضعیف بر انباشت بدهی عمومی تأکید کرده‌اند، به‌گونه‌ای که کشورهایی که کیفیت نهادی ضعیف دارند، نسبت‌های بدهی بیشتری از دیگر کشورها دارند. این مطالعات تأکید می‌کند که بهبود کیفیت نهادها برای تشویق سرمایه‌گذاری، ایجاد

انگیزه برای رشد اقتصادی و بهره‌مند شدن از سیاست کاهش بدهی، ضرورت دارد. در نتیجه حکمرانی خوب می‌تواند به کشورها، برای مدیریت مؤثر بدهی‌های عمومی و حفظ پایداری مالی کمک کند؛ زیرا ریشه مشکل مدیریت بدهی‌های عمومی در توجه نکردن سیاستگذاران به هزینه‌های حکمرانی بد و مدیریت ضعیف اقتصاد کلان است.

با اینکه ادبیات گسترده‌ای درباره تأثیرات زیانبار حکمرانی ضعیف بر رشد اقتصادی شکل گرفته است (کامپس و همکاران^۱، ۱۹۹۹؛ آل مارهوبی^۲، ۲۰۰۰)، این آثار تنها رابطه میان کیفیت نهادی و انباشت بدهی عمومی را عنوان کرده‌اند.

با مرور کردن پیشینه پژوهش، در موضوع تعیین‌کننده‌های سیاسی و نهادی و بدهی عمومی، مطالعات اندکی در این حوزه وجود دارد که به بررسی تفاوت میان کشورهای توسعه‌یافته مبتنی بر صنعت و نوآوری و کشورهای در حال توسعه مبتنی بر فروش مواد اولیه پرداخته باشند و هیچ مطالعه‌ای نیست که روندهای اعضای سازمان کشورهای صادرکننده نفت خام (OPEC) را مورد مطالعه قرار داده باشد؛ بنابراین، این مطالعه درصدد پر کردن این شکاف علمی با تمرکز بر کشورهای عضو این سازمان اقتصادی است. علاوه بر این، وقتی رابطه میان کیفیت نهادها و انباشت بدهی عمومی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، مطالعات موجود بر روی شاخص فساد^۳ تمرکز می‌کنند و دیگر عوامل تعیین‌کننده حکمرانی را نادیده می‌گیرند بنابراین سهم دیگر این مطالعه در ادبیات، بررسی این موضوع است که کیفیت نهادها چگونه از طریق شش مؤلفه حکمرانی جهانی بر انباشت بدهی عمومی تأثیر می‌گذارند.

شاخص بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی یکی از مهمترین معیارهای ارزیابی و اعتبارسنجی وضعیت مالی دولت‌ها به‌طور خاص و وضعیت اقتصاد کلان کشورها به‌طور عام است. هرچه سطح بدهی عمومی بیشتر باشد، حاکی از بیشتر بودن کسری‌های بودجه انباشته توسط دولت‌ها است و بر توانایی کمتر دولت‌ها در انضباط و تنظیم‌گری مالی دلالت دارد. وجود بدهی‌های دولتی زیاد در اقتصاد، سطح نااطمینانی را در آن اقتصاد افزایش می‌دهد و سبب کاهش اعتماد کارگزاران اقتصادی و فعالان کسب‌وکار نسبت به دولت می‌شود.

1. Campos et al.

2. Al-Marhubi

3. Corruption index

هدف این مقاله، به‌طور ویژه، بررسی تأثیر کیفیت حکمرانی (کیفیت نهادی) بر انباشت بدهی عمومی است. با مشارکت در ادبیات نظری دلالت‌های اقتصاد کلان^۱ حکمرانی، این مطالعه می‌تواند پیشنهادهاى سودمندی به سیاستمداران این کشورها دربارهٔ روش‌های صحیح مدیریت بدهی عمومی داشته باشد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بر اساس قضیهٔ برابری بارو - ریکاردویی، آحاد اقتصادی که انتظارات عقلایی دارند نسبت به شیوهٔ تأمین مالی دولت رویکردی را اتخاذ می‌کنند که سیاست پیش‌بینی نشدهٔ دولت در زمینهٔ ایجاد کسری بودجه و ایجاد بدهی، تأثیر انبساطی خود در اقتصاد کلان را از دست می‌دهد، به‌گونه‌ای که در صورت عزم دولت برای کاهش مالیات و تأمین بخشی از مصارف خود از محل ایجاد بدهی، کارگزاران اقتصادی دارای انتظارات عقلایی مصارف خود را به‌گونه‌ای تعیین می‌کنند که گویی بودجهٔ دولت در توازن است؛ زیرا به‌درستی می‌دانند که بدهی‌های ایجادشده توسط دولت در سال‌های آینده از محل مالیات بازپرداخت خواهد شد و آنان باید به شکلی برنامه‌ریزی کنند که توانایی پرداخت بار مالیاتی ایجادشده در سال‌های آینده را داشته باشند. از این‌رو با توجه به قضیه برابری بارو - ریکاردویی، ایجاد بدهی بیشتر توسط دولت‌ها سبب می‌شود فعالان کسب‌وکار با عدم اطمینان بیشتری روبه‌رو شده و با احتیاط به فعالیت اقتصادی خود ادامه دهند؛ در نتیجهٔ این عدم اطمینان و کاهش اعتماد عمومی به دولت سطح سرمایه‌گذاری در اقتصاد کاهش خواهد یافت.

دیدگاه کینزی‌ها در تضاد با قضیهٔ بارو - ریکاردو قرار دارد. کینزی‌ها معتقدند کارگزاران اقتصادی توهم مالی^۲ دارند؛ یعنی در صورتی که دولت تصمیم بگیرد مالیات را کاهش دهد و بخشی از منابع مورد نیاز خود را به‌وسیلهٔ ایجاد بدهی تأمین کند و این سیاست توسط آحاد اقتصادی پیش‌بینی نشده باشد، آنان گمان می‌کنند که وضعیت مالی‌شان بهبود یافته است. فعالان اقتصاد، بدون توجه به این مسئله که بدهی ایجادشده توسط دولت در سال‌های آینده باید از طریق اخذ مالیات بیشتر جبران شود، منابع خود را به شکلی تخصیص می‌دهند که گویی در شرایط بهتری از نظر مالی قرار گرفته‌اند. این مسئله سبب تخصیص نابهینهٔ منابع توسط بنگاه‌های اقتصادی می‌شود و بدون آن که خود بدانند

-
1. Macroeconomics implications
 2. Financial illusion

در معرض ریسک‌های سیستماتیک بیشتری قرار گرفته‌اند. هرچند در کوتاه‌مدت ممکن است فعالان اقتصادی تقاضای خود برای مصرف و سرمایه‌گذاری را افزایش دهند، اما در بلندمدت وقتی دولت با تحمیل مالیات بیشتر یا از طریق مالیات تورمی به دنبال بازپرداخت بدهی‌های ایجادشده در سال‌های گذشته باشد، فعالان اقتصادی متضرر خواهند شد؛ چرا که سرمایه‌گذاری و افزایش تولید آنان در سال‌های گذشته، اکنون با کاهش تقاضای مؤثر یا به عبارت دیگر بحران کمبود تقاضا، روبه‌رو شده است.

هر یک از این دو دیدگاه رقیب (برابری بارو - ریکاردویی و توهم مالی) بر ایجاد اختلال در عملکرد اقتصادی به واسطه حجم زیاد بدهی‌های عمومی صحنه می‌گذارند. براساس رویکرد حکمرانی خوب، دولت باید تحکیم‌بخش نهادهایی باشد که این نهادها تقویت‌کننده فعالیت‌های بازار هستند؛ بنابراین ضرورت دارد جامعه مدنی به عنوان یکی از ارکان اساسی حکمرانی، از طریق ایجاد کنش‌های اجتماعی از جمله انتخابات، مطالبه‌گری و نظارت مطبوعاتی بر فعالیت‌های اختلال‌زای دولت که سبب افزایش بدهی‌های عمومی و در نتیجه عدم اطمینان یا توهم مالی در بازار می‌شود، نظارت داشته باشد. در این راستا این پژوهش با بررسی چگونگی تأثیرگذاری مؤلفه‌های حکمرانی خوب بر حجم بدهی‌های عمومی به دنبال ارائه محتوایی ارشادی مبتنی بر شواهد علمی و پژوهشی برای فعالان بازار و جامعه مدنی برای کنش‌های مناسب و رویارویی با فعالیت‌های اختلال‌زای دولت و حکمرانی بد است.

در اقتصاد سیاسی، اغلب نظریات و پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهد که به دو دلیل اساسی، برخی مقادیر مثبت سطح بدهی می‌تواند تأثیر مثبت بسیار زیادی بر عملکرد اقتصادی کشور داشته باشد: نخستین علت اصطلاحاً، نقش بدهی عمومی در یکنواخت‌سازی^۱ نوسانات نامیده می‌شود، که بارو^۲ (۱۹۷۹) آن را تعریف کرده، و شواهدی تجربی دال بر این تأثیر مثبت آورده است. دومین علت نقش بدهی عمومی در توزیع دوباره ثروت^۳ است. با این حال، چنین آثار سودمندی از بدهی عمومی تنها در حضور حکمرانی خوب اتفاق می‌افتد. کافمن و همکاران^۴ (۲۰۱۰) حکمرانی را به عنوان «سنت‌ها»

-
1. Fluctuations-smoothing role of public debt
 2. Barro
 3. Wealth-redistributive role of public debt
 4. Kaufmann et al.
 5. Traditions

و نهادهایی^۱ که توسط مقامات در کشور اجرا می‌شود، و شش شاخص حکمرانی جهانی را در مقیاس ۲/۵- تا ۲/۵+ معرفی می‌کنند، که امتیاز بیشتر به معنای کیفیت بهتر نهادها یا حکمرانی خوب است. بر اساس این تعریف، حکمرانی سه زمینه را پوشش می‌دهد: الف) فرایندهایی که توسط دولت‌ها انتخاب، نظارت و یا جایگزین می‌شود. ب) ظرفیت دولت برای شکل‌دادن مؤثر و اجرای سیاست‌های دقیق^۲ ج) احترام شهروندان و دولت نسبت به نهادهایی که حاکمیت ارتباط متقابل اقتصادی و اجتماعی را در میان آن‌ها بر عهده دارند. هر زمینه شامل دو معیار حکمرانی است (مجموعه‌ای شش بعدی) که کیفیت نهادها را تعیین می‌کند (کافمن و همکاران، ۲۰۱۰):

- **اظهار نظر و پاسخ‌گویی**^۳: این مؤلفه توانایی شهروندان هر کشوری را برای مشارکت در انتخاب دولت حاکم و همچنین آزادی بیان^۴، آزادی مشارکت^۵ و استقلال رسانه^۶ اندازه می‌گیرد.

- **ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت/تروریسم**^۷: این معیار، خشونت‌های دارای انگیزه سیاسی^۸ و تروریسم و همچنین درصد احتمال اینکه دولت به وسیله ابزارهای غیر قانونی یا خشونت‌آمیز^۹ سرنگون شود را نشان می‌دهد.

- **تأثیرگذاری دولت**^{۱۰}: این مؤلفه توانایی دولت را برای تدوین و اجرای سیاست‌های صحیح اندازه می‌گیرد که شامل معیارهای کیفیت خدمات عمومی^{۱۱}، کیفیت خدمات شهری^{۱۲} و درجه استقلال از فشارهای سیاسی^{۱۳} است. این مؤلفه بر توانایی‌های دولت برای تولید و اجرای سیاست‌های خوب و ارائه کالاهای عمومی تمرکز دارد.

1. Institutions
2. Implement sound policies
3. Voice and Accountability
4. Freedom of expression
5. Freedom of association
6. Independence of the media
7. Political Stability and Absence of Violence/Terrorism
8. Politically-motivated violence
9. Unconstitutional or violent means
10. Government Effectiveness
11. Quality of public services
12. Quality of civil services
13. Degree of its independence from political pressures

- **کیفیت مقررات**^۱: این مؤلفه بر توانایی دولت‌ها برای تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقررات صحیح که توسعه بخش خصوصی را تجویز و تقویت می‌کند، تمرکز می‌کند. این معیار مفاهیمی درباره خود سیاست‌ها اندازه‌گیری می‌کند.

- **حاکمیت قانون**^۲: این مؤلفه درصد تمکین از قواعد اجتماعی را اندازه‌گیری می‌کند. این معیار به‌عنوان مثال شامل کیفیت اجرای قرارداد^۳، حقوق مالکیت^۴، پلیس و دادگاه و همچنین احتمال وقوع جرم و خشونت^۵ می‌شود.

- **کنترل فساد**^۶: این مؤلفه ادراک از مفهوم فساد را به‌دست می‌دهد، که به معنی به‌کاربردن قدرت عمومی برای منافع شخصی است. این مؤلفه شامل هر دو شکل کوچک و بزرگ فساد می‌شود؛ همچنین شامل در اختیار گرفتن دولت برای پیگیری منافع نخبگان و بخش خصوصی است.

با مرور پیشینه پژوهش مشخص می‌شود که حوزه بدهی دولت‌ها در بیشتر کشورها، به‌طور قابل ملاحظه‌ای در طول دهه گذشته افزایش یافته است و بسیاری از پژوهشگران به دنبال بررسی علل و توضیح آثار ممکن بدهی عمومی بر رشد اقتصادی بوده‌اند (طارق و احمد^۷، ۲۰۱۷). یافته‌های پژوهشگران تأثیر غیرخطی^۸ بدهی‌های خارجی^۹ بر رشد را همراه با آثار زیان‌آور، تنها پس از یک آستانه معین از نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی^{۱۰} را تأیید می‌کند. علاوه بر این، در کشورهای توسعه‌یافته، برخی مطالعات تجربی نشان می‌دهد، ارتباط میان بدهی عمومی و رشد اقتصادی تنها به اندازه بدهی‌ها - و نه به کیفیت سیاست‌ها و نهادها - بستگی دارد. در همین زمینه مطالعات آسیدو^{۱۱} (۲۰۰۳) نشان داد که سطح معینی از کیفیت نهادها به‌منظور تشویق سرمایه‌گذاری، ایجاد انگیزه برای رشد اقتصادی و منتفع شدن از سیاست کاهش بدهی^{۱۲}، ضرورت دارد. در نتیجه، یک اجماع گسترده^{۱۳}

1. Regulatory Quality
2. Rule of Law
3. Quality of contract enforcement
4. Property rights
5. Likelihood of crime and violence
6. Control of Corruption
7. Tarek & Ahmed
8. Non-linear impact
9. External debt
10. Certain debt-to-GDP ratio threshold
11. Asiedu
12. Policy of debt relief
13. Broad consensus

در این زمینه وجود دارد که حکمرانی خوب^۱ می‌تواند به کشورها برای مدیریت مؤثر بدهی‌های عمومی از طریق کاهش هزینه‌های استقراض^۲، شامل ریسک مالی^۳ و توسعه بازار بدهی داخلی^۴ کمک کند. حکمرانی خوب همچنین می‌تواند سبب حفظ پایداری مالی^۵ این کشورها شود و به آن‌ها برای توسعه نظام مالی داخلی^۶ کمک کند.

کیم، ها و کیم^۷ (۲۰۱۷) تأثیر فساد بر رابطه بین بدهی عمومی و رشد اقتصادی را بررسی کرده‌اند. نویسندگان استدلال می‌کنند که استفاده از شاخص سطح فساد (به‌عنوان نماینده‌ای برای کیفیت نهادها) آنچه را که آنها مشکل اندازه‌گیری با شاخص‌های کیفیت نهادی می‌دانند را به حداقل می‌رساند. با استفاده از تکنیک‌های تخمین OLS ترکیبی، تأثیرات ثابت و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) و داده‌های ۷۷ کشور که دوره ۱۹۹۰-۲۰۱۴ را پوشش می‌دهند، آنها عبارت تعاملی برای بدهی عمومی و فساد را از نظر آماری معنادار می‌دانند و نتایج نشان می‌دهد که بدهی عمومی، نرخ رشد در کشورهای بسیار شفاف (غیر فاسد) را افزایش می‌دهد و برعکس؛ همچنین سانی و همکاران^۸ (۲۰۱۹) نشان می‌دهند که بهبود کیفیت نهادی بر اساس شاخص‌های اثربخشی دولت، کنترل فساد و کیفیت نظارتی، می‌تواند تأثیرات منفی بدهی عمومی بر رشد اقتصادی را به میزان قابل توجهی کاهش دهد.

از سوی دیگر، بریسنو و پروت^۹ (۲۰۲۰) استدلال کردند که بودجه دولت برای حفظ جامعه مردم‌سالار و تخصیص رفاه جامعه، بدهی دولت را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، طارق و احمد (۲۰۱۷) اظهار داشتند کشوری که محدودیت‌های مردم‌سالارانه دارد، باید بدهی‌های عمومی را بر اساس یک برنامه هزینه مصوب به روشی کارآمد در مقایسه با دیگر رژیم‌ها مدیریت کند. در نتیجه، حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی، سطح اعتبار و امکان دسترسی به وام با نرخ بهره بیشتر را افزایش می‌دهد که این امر مشوقی برای بدهی عمومی بیشتر است.

-
1. Good governance
 2. Borrowing cost
 3. Financial risk
 4. Domestic debt market
 5. Maintaining financial stability
 6. Domestic financial system
 7. Kim, Ha & Kim
 8. Sani
 9. Briceño & Perote

در این پژوهش این فرضیه بررسی می‌شود که حکمرانی بد (از طریق تضعیف شاخص‌های کیفیت نهادی) به انباشت بدهی عمومی بیشتر در کشورهای عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) منجر می‌شود. در واقع، منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا در آشفتگی است. دولت‌های آنها با چالش‌های جدی سیاست‌گذاری (جنگ‌های داخلی، قیمت پایین نفت، درآمد پایین و کمبود ارز، بحران پناهندگان، حملات تروریستی، سرریزهای ناشی از درگیری در منطقه، گذارهای سیاسی کشورهای درگیر بهار عربی) روبه‌رو هستند. در نتیجه، این کشورها به دلیل هزینه‌های زیاد جنگ، قیمت پایین نفت و کاهش تجارت با عدم تعادل‌های مالی و خارجی عمده‌ای روبه‌رو هستند. این وضعیت می‌تواند این کشورها را به سمت افزایش بدهی عمومی برای تقویت اقتصاد و تأمین مالی توسعه اقتصادی سوق دهد. با این حال، این راه حل ممکن است آسیب‌پذیری کشور آنها را در برابر شوک‌های مالی ملی و بین‌المللی افزایش دهد. به‌ویژه اینکه آسیب‌پذیری، بیشتر برای کشورهای کوچک‌تر و بازارهای نوظهور است؛ زیرا ممکن است تنوع کمتری در سبد صادرات کالاها و خدمات تولید اقتصادشان داشته باشند؛ پایه پس‌انداز مالی داخلی کمتری داشته باشند؛ سامانه‌های مالی کمتر توسعه‌یافته‌ای داشته باشد و از طریق جریان‌های نسبی سرمایه، بیشتر در معرض سرایت مالی قرار گیرند. این مقاله با کمک به ادبیات مربوط به پیامدهای کلان اقتصادی حکمرانی، می‌تواند درس‌های سودمندی را برای سیاستمداران این کشورها در مورد حوزه‌های عمومی که در آنها توافق گسترده‌ای در مورد آنچه عموماً شیوه‌های صحیح در مدیریت بدهی عمومی را تشکیل می‌دهد، ارائه دهد.

روش پژوهش

این مقاله به‌لحاظ ماهیت انجام کار از نوع مطالعات کاربردی است و با توجه به اینکه در سطح ۱۵ کشور عضو اوپک^۱ در بازه زمانی ۲۰۰۴ الی ۲۰۱۶ انجام شده، در زمره مطالعات داده‌های پانلی قرار دارد؛ همچنین با توجه به هدف اصلی پژوهش که بررسی تأثیر شاخص کیفیت حکمرانی بر بدهی عمومی کشورهای عضو (OPEC) است، مطالعه در زمره پژوهش‌های علی - ارتباطی قرار خواهد گرفت. بر مبنای تعریف مسئله و اهداف پژوهش، فرضیات پژوهش (به تفکیک معیارهای شش‌گانه کیفیت حکمرانی) به‌صورت زیر تدوین شده است:

۱. کشورهای عضو (OPEC) عبارت است از: ۱. الجزایر ۲. آنگولا ۳. اکوادور ۴. گینه استوایی ۵. گابن ۶. ایران ۷. عراق ۸. کویت ۹. قطر ۱۰. جمهوری کنگو ۱۱. عربستان ۱۲. امارات متحده عربی ۱۳. ونزوئلا ۱۴. اندونزی ۱۵. لیبی.

زیر فرضیه اول: شاخص «حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی» بر بدهی عمومی کشورهای عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (OPEC) دارای تأثیر منفی و معنی‌دار است.

زیر فرضیه دوم: شاخص «ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت/تروریسم» بر بدهی عمومی کشورهای عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (OPEC) دارای تأثیر منفی و معنی‌دار است.

زیر فرضیه سوم: شاخص «تأثیرگذاری دولت» بر بدهی عمومی کشورهای عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (OPEC) دارای تأثیر منفی و معنی‌دار است.

زیر فرضیه چهارم: شاخص «کیفیت مقررات» بر بدهی عمومی کشورهای عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (OPEC) دارای تأثیر منفی و معنی‌دار است.

زیر فرضیه پنجم: شاخص «حاکمیت قانون» بر بدهی عمومی کشورهای عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (OPEC) دارای تأثیر منفی و معنی‌دار است.

زیر فرضیه ششم: شاخص «کنترل فساد» بر بدهی عمومی کشورهای عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (OPEC) دارای تأثیر منفی و معنی‌دار است.

جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۵ کشور عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت خام است. اطلاعات مورد نیاز از بانک‌های اطلاعاتی پایگاه داده پورتال دو نهاد مالی بین‌المللی یعنی بانک جهانی^۱ و صندوق بین‌المللی پول^۲ بارگیری شده است. شاخص‌های حکمرانی خوب در شش معیار کیفیت نهادی که در مبانی نظری ارائه شد، توسط بانک جهانی برای کشورهای گوناگون در قالب پایگاه داده Worldwide Governance Indicators database گزارش و به‌صورت استاندارد و یکنواخت ارائه می‌شود.

بخش تحلیل آماری پژوهش، از نظر زمان وقوع مشاهدات هم پژوهش «طولی» و هم پژوهشی «عرضی» است؛ زیرا از داده‌های تابلویی (پانل) استفاده شده، که تلفیقی از سری زمانی و مقطع عرضی است.

انتخاب این گروه از کشورها مبنایی برای مقایسه سازوکار تأثیرگذاری کیفیت حکمرانی بر بدهی عمومی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته (با اقتصاد مبتنی بر فروش مواد خام) فراهم می‌سازد، که

1. <https://databank.worldbank.org/source/worldwide-governance-indicators>

2. <https://data.imf.org/>

نتیجه آن می‌تواند دلالت‌های سیاستی مهمی برای اقتصاد ایران (به‌عنوان عضوی از اوپک) در بر داشته باشد که تا حد زیادی به فروش نفت خام وابسته است.

الگوی تجربی این پژوهش به پیروی از طارق و احمد (۲۰۱۷) به‌صورت معادله (۱) که یک الگوی رگرسیون داده‌های پانل است، قابل تصریح است. این معادله نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی را به‌عنوان تابعی از مقدار تأخیری^۱ خودش، شاخص حکمرانی و عوامل عمده‌ای که بر توازن ابتدایی^۲ تأثیر می‌گذارند، توضیح می‌دهد که متغیرهای وابسته و مستقل^۳ آن در جدول شماره ۱ تعریف شده است.

$$\begin{aligned} \text{PUBDratio}_{it} = & \alpha_0 + \alpha_1 \text{lagDV}_{it} + \alpha_2 \text{PERCI}_{it} + \alpha_3 \text{GEXP}_{it} \\ & + \alpha_4 \text{UNEMR}_{it} + \alpha_5 \text{INF}_{it} + \alpha_6 \text{GDPG}_{it} \\ & + \alpha_7 \text{CCOR}_{it} + \alpha_8 \text{GEFF}_{it} + \alpha_9 \text{VAA}_{it} \\ & + \alpha_{10} \text{PSAV}_{it} + \alpha_{11} \text{RQ}_{it} + \alpha_{12} \text{RL}_{it} \\ & + \alpha_{13} \text{PUBDratio}_{it-1} + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad (1)$$

نماینه i در متغیرهای الگوی تجربی، نماد واحدهای مقطع عرضی (کشورها) و نماینه t در متغیرهای الگوی تجربی، نماد دوره‌های زمانی (سال‌ها) است. آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از تعیین علامت و آزمون معنی‌داری برخی از ضرایب الگوی رگرسیون پژوهش صورت می‌پذیرد.

یادآور می‌شود در برآورد تجربی، به‌جای متغیر PUBDratio_{it} از مقدار لگاریتم آن یعنی LOGPUBD_{it} ، به‌جای متغیر PERCI_{it} از مقدار لگاریتم آن یعنی LOGPERCI_{it} و به‌جای متغیر GEXP_{it} ، از مقدار لگاریتم آن یعنی LOGGEXP_{it} استفاده شده است.

متغیر وابسته^۴ این مطالعه عبارت است از نسبت بدهی عمومی به GDP ، که به‌صورت بدهی عمومی مرکزی^۵ (که بیش از ۹۰ درصد کل بدهی دولت را تشکیل می‌دهد) تعریف شده است. یادآور می‌شود در تحلیل رگرسیون از مقدار لگاریتم این متغیر به‌عنوان متغیر وابسته استفاده شده است. این پژوهش مبتنی بر شش مقیاس اندازه‌گیری کیفیت نهادی است که در شاخص‌های جهانی

-
1. Lagged value
 2. Primary balance
 3. Dependent and independent variable
 4. Dependent variable
 5. Central public debt

حکمرانی وجود دارد. این متغیرها عبارت است از «اظهار نظر و پاسخ‌گویی»، «ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت/تروریسم»، «اثربخشی دولت»، «کیفیت مقررات»، «حاکمیت قانون» و «کنترل فساد». این شاخص‌ها در مقیاس (۲/۵- تا ۲/۵+) تعریف شده است که مقادیر بیشتر متناظر با حکمرانی بهتر است. حکمرانی خوب به شکل منفی بر بدهی عمومی تأثیر می‌گذارد و حکمرانی ضعیف به شکل مثبت بدهی عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

متغیرهای توضیح‌دهنده^۱ دیگری در تجزیه و تحلیل^۲ تجربی این پژوهش به‌عنوان متغیرهای کنترل مورد استفاده قرار می‌گیرد. رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) سرانه^۳ به‌عنوان پراکسی (= نمایاری)^۴ برای اندازه‌گیری سطح توسعه کشور در نظر گرفته شده است. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، افزایش مخارج دولت می‌تواند قرض‌گرفتن را افزایش دهد؛ بنابراین نسبت مخارج دولت به GDP به‌عنوان متغیر کنترل^۵ (کورای و اشنايدر^۶، ۲۰۱۶) در تجزیه و تحلیل تجربی مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای در نظر گرفتن اریب (تورش) متغیرهای حذف‌شده^۷، متغیرهای کنترل دیگری نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. این متغیرها به پیروی از (آل - مارهوبی، ۲۰۰۰) شامل وقفه یک‌دوره‌ای متغیر وابسته^۸ و متغیرهای نرخ بیکاری و نرخ تورم^۹ است. در جدول شماره ۱ متغیرهای مورد استفاده در الگوی تجربی پژوهش تعریف شده، و منابع اطلاعات آماری آن‌ها بیان شده است.

-
1. Explanatory
 2. Empirical analysis
 3. Per capita Gross Domestic Product
 4. Proxies
 5. Control variable
 6. Cooray and Schneider
 7. Omitted variables bias
 8. Dependent variable one period lagged
 9. Inflation rate

جدول ۱. متغیرهای استفاده شده در تجزیه و تحلیل اقتصاد سنجی

متغیر	تعریف	واحد	نماد ریاضی	منبع داده
نسبت بدهی به GDP*	نسبت بدهی ناخالص دولت به GDP	نسبت / سهم	PUBDratio	IMF(2016)
درآمد سرانه به قیمت ثابت*	تولید ناخالص داخلی سرانه در قیمت های ثابت ۲۰۰۰ بر حسب دلار امریکا	دلار امریکا	PERCI	IMF(2016)
درصد مخارج دولت به GDP*	درصد کل مخارج مصرفی نهایی دولت به GDP	درصد	GEXP	IMF(2016)
نرخ بیکاری	نرخ بیکاری کل (درصد از جمعیت فعال، بر حسب برآورد ملی)	درصد	UNEMR	IMF(2016)
نرخ تورم	درصد تغییرات شاخص قیمت مصرف کننده ^۱	درصد	INF	IMF(2016)
نرخ رشد GDP	درصد تغییرات تولید ناخالص داخلی در قیمت های ثابت	درصد	GDPG	IMF(2016)
وقفه متغیر وابسته	مقدار نسبت بدهی به GDP در یک دوره گذشته	نسبت / سهم	LAGDV	IMF(2016)
کنترل فساد	شاخص کنترل فساد (از مؤلفه های حکمرانی خوب)	واحد ندارد ^۲	CCOR	World Bank (2016)
اثربخشی دولت	شاخص اثربخشی دولت (از مؤلفه های حکمرانی خوب)	واحد ندارد ^۲	GEFF	World Bank (2016)
اظهار نظر و پاسخ گویی	شاخص اظهار نظر و پاسخ گویی (از مؤلفه های حکمرانی خوب)	واحد ندارد ^۲	VAA	World Bank (2016)
ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت	شاخص ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت (از مؤلفه های حکمرانی خوب)	واحد ندارد ^۲	PSAV	World Bank (2016)
کیفیت مقررات	شاخص کیفیت مقررات (از مؤلفه های حکمرانی خوب)	واحد ندارد ^۲	RQ	World Bank (2016)
حاکمیت قانون	شاخص حاکمیت قانون (از مؤلفه های حکمرانی خوب)	واحد ندارد ^۲	RL	World Bank (2016)

منبع: یافته های پژوهش

*: این متغیرها در برآوردهای تجربی به فرم لگاریتمی تبدیل شده است.

P: این متغیر فاقد واحد اندازه گیری است و در محدود ۲/۵+ الی ۲/۵- نوسان می کند.

برای تخمین (= برآورد) این الگوی تجربی از روش‌های گشتاورهای تعمیم‌یافته^۱ (GMM) تفاضلی و سیستمی در اقتصادسنجی پانل پویا استفاده شده است. تخمین‌زن‌های سیستمی GMM کارایی چشمگیری را نشان می‌دهد. بلاندل^۲ و همکاران (۲۰۰۰) نشان دادند که حتی با فرض برونزایی ضعیف، در نمونه‌هایی با اندازه بزرگ، تورش زیاد بوده و دقت تخمین‌زن‌های تفاضلی بسیار پایین است؛ بنابراین اگر تخمین‌زن‌های سیستمی GMM دقت تخمین را زیاد نکند، حداقل تورش را کم می‌کند. ترکیب قیدهای گشتاور در سطح و تفاضل، برآوردکننده‌ای را نتیجه می‌دهد که توسط آرلانو و باند برآوردکننده GMM سیستمی نامیده می‌شود (بالتاجی، ۲۰۱۱).

یافته‌های پژوهش

برای آزمون فرضیات، از تکنیک تخمین روش گشتاورهای تعمیم‌یافته تفاضلی (آرلانو و باند^۳، ۱۹۹۱) و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته سیستمی (آرلانو و باور^۴، ۱۹۹۵) به صورت یک مرحله‌ای و دو مرحله‌ای بهره گرفته شده است. برای پردازش‌های آماری و تحلیل‌های رگرسیونی، نرم‌افزار Sata14 توسط پژوهشگر انتخاب شده است؛ همچنین برای انجام آزمون‌های هم‌انباشتی داده‌های پانل از نرم‌افزار Eviews13 بهره گرفته شده است.

شاخص‌های آمار توصیفی متغیرها به تفکیک برای گروه کشورهای عضو OPEC ارائه شده است. با مراجعه به جدول شماره ۲ در خصوص گروه کشورهای عضو OPEC، بر اساس ضرایب چولگی متغیرها، متغیرهای $LOGGEXP_{it}$ ، $UNEMR_{it}$ ، $INF_{i,t-1}$ ، $GDPG_{it}$ ، $CCOR_{it}$ ، $GEFF_{it}$ ، VAA_{it} ، RQ_{it} و RL_{it} دارای ضریب چولگی مثبت و چوله به راست هستند و متغیرهای $LOGPUBD_{it}$ و وقفه آن، $LOGPERCI_{it}$ و $PSAV_{it}$ دارای ضریب چولگی منفی و چوله به چپ هستند. بیان این نکته حائز اهمیت است که متغیرهای $INF_{i,t-1}$ و $GDPG_{it}$ ضریب چولگی مثبت زیادی دارند، به این معنی که در گروه کشورهای عضو (OPEC) در دوره مورد مطالعه، نرخ تورم و نرخ رشد اقتصادی پایینی را نسبت به میانگین تجربه کرده‌اند.

-
1. Generalized Method of Moments
 2. Blundell
 3. Arellano and Bond
 4. Arellano and Bover

همچنین ملاحظه می‌شود که کشیدگی متغیرهای LOGPUBD_{it} و وقفه آن، LOGPERCI_{it} ، LOGGEXP_{it} و INF_{it} از منحنی توزیع نرمال بیشتر است و دیگر متغیرها از منحنی توزیع نرمال پهن‌تر هستند. درباره متغیرهای $\text{INF}_{i,t-1}$ و GDPG_{it} قابل ذکر است که این متغیرها ضریب کشیدگی زیادی دارند؛ به این معنی که مقادیر متغیرها متراکم، و به هم نزدیک است. مهمترین دلیل این موضوع آن است که رشد اقتصادی کشورهای (OPEC) به قیمت نفت جهانی وابسته است و تورم آن‌ها نیز تا حد زیادی تحت تأثیر قیمت نفت جهانی (صادرات تک محصولی) و ساختار اقتصادی وابسته به نفت است (بلومی و همکاران، ۲۰۲۳).

جدول ۲. خلاصه آمارهای توصیفی متغیرها مربوط به مشاهدات روی کشورهای (OPEC)

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	کمینه	بیشینه	میان	ضریب چولگی	ضریب کشیدگی
LOGPUBD_{it} متغیر وابسته	۳/۰۰۰	۱/۰۵۵	۰/۳۵۲	-۰/۷۱۷	۵/۸۴۲	۳/۱۸۵	-۰/۵۰۴	۳/۶۸۷
	۲/۹۵۲	۱/۰۶۹	۰/۳۶۲	۰/۷۱۷	۵/۸۴۲	۳/۱۴۰	-۰/۴۴۷	۳/۵۹۷
LOGPERCI_{it}	۹/۷۵۳	۱/۲۵۳	۰/۱۲۸	۶/۱۸۳	۱۱/۸۸۹	۹/۷۰۶	-۰/۹۳۰	۴/۴۶۱
LOGGEXP_{it}	۳/۳۸۴	۰/۴۷۷	۰/۱۴۱	۲/۱۵۱	۵/۲۰۵	۳/۴۳۷	۰/۳۱۴	۴/۳۵۸
UNEMR_{it}	۸/۴۲۶	۵/۷۶۷	۰/۶۸۴	۰/۱۴	۲۷/۸۸۶	۷/۸۲۳	۰/۷۴۵	۲/۹۵۹
$\text{INF}_{i,t-1}$	۱۰/۹۷۱	۲۶/۰۵۸	۲/۳۷۵	-۴/۸۶۳	۳۰/۲۶۳۷	۴/۸۶۶	۸/۳۵۵	۸۷/۱۲۷
GDPG_{it}	۴/۶۷۷	۱۳/۴۴۹	۲/۸۷۶	-۶۶/۶۵۷	۱۲۴/۷۰۹	۴/۴۷۳	۲/۸۲۱	۳۹/۲۶۳
CCOR_{it}	-۰/۶۳۲	۰/۸۲۵	۱/۳۰۵	-۱/۸۲۶	۱/۵۶۷	-۰/۷۶۳	۰/۹۰۵	۲/۸۵۳
GEFF_{it}	-۰/۵۹۷	۰/۸۰۲	۱/۳۴۳	-۱/۸۹۰	۱/۵۱۰	-۰/۶۶۱	۰/۶۳۳	۲/۷۰۹
VAA_{it}	-۱/۰۵۲	۰/۵۳۶	۰/۵۱۰	-۲/۰۰۰	۰/۱۸۴	-۱/۰۵۲	۰/۲۲۱	۲/۵۳۷
PSAV_{it}	-۰/۵۸۰	۱/۰۲۴	۱/۷۶۶	-۳/۱۸۱	۱/۲۲۴	-۰/۵۱۵	-۰/۲۵۰	۲/۲۹۸
RQ_{it}	-۰/۷۴۸	۰/۷۸۹	۱/۰۵۵	-۲/۲۷۴	۱/۱۱۱	-۱/۰۳۴	۰/۵۲۷	۲/۲۳۵
RL_{it}	-۰/۷۲۴	۰/۸۰۶	۱/۱۱۳	-۲/۲۵۵	۰/۹۵۸	-۰/۸۶۳	۰/۴۹۵	۲/۱۴۸

منبع: یافته‌های پژوهش

مانایی متغیرهای پژوهش با توجه به تعداد واحد مقطع بین ۱۰ تا ۲۵۰ (تعداد مقاطع در جامعه آماری ۳۶ است.) و کوچک بودن (N) نسبت به زمان (T) و مستقل بودن واحدهای مقطعی (کشورها) و توازن طول دوره‌های زمانی داده‌های پانلی، از آزمون لین، لوین و چو استفاده شده است.

در این پژوهش آزمون‌های ریشه واحد داده‌های پانلی، تحت عنوان آزمون لین، لوین و چو (LLC) با عرض از مبدأ و بدون روند زمانی برای تشخیص نامانایی متغیرهای الگوی تجربی مورد استفاده قرار گرفته است و نتایج آن در جدول شماره ۳ برای گروه کشورهای عضو (OPEC) آورده شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون ریشه واحد لین، لوین و چو (LLC) با عرض از مبدأ بدون روند زمانی

گروه کشورهای عضو (OPEC)		متغیر
مرتبه انباشتگی	آماره t^* تعدیل شده (p - value)	
I(0)	-۱/۸۳۹۸ (۰/۰۳۲۹)*	LOGPUBD _{it}
I(1)	-۱/۲۳۴۳ (۰/۱۰۸۵)	LOGPUBD _{i,t-1}
I(0)	-۲/۲۶۶۲ (۰/۰۱۱۷)*	Δ LOGPUBD _{i,t-1}
I(0)	-۳/۰۴۲۲ (۰/۰۰۱۲)*	LOGPERCI _{it}
I(0)	-۴/۳۱۱۶ (۰/۰۰۰۰)*	LOGGEXP _{it}
I(0)	-۶/۷۹۳۸ (۰/۰۰۰۰)*	UNEMR _{it}
I(2)	۲/۶۸۲۶ (۰/۹۹۶۳)	INF _{it}
I(1)	۰/۲۸۳۳ (۰/۶۱۱۵)	Δ INF _{it}
I(0)	-۷/۴۶۶۱۷ (۰/۰۰۰۰)*	Δ^2 INF _{it}
I(1)	۰/۶۰۹۱ (۰/۷۲۸۸)	INF _{i,t-1}
I(0)	-۳/۲۶۵۱ (۰/۰۰۰۵)*	Δ INF _{i,t-1}

ادامه جدول ۳. نتایج آزمون ریشه واحد لین، لوین و چو (LLC) با عرض از مبدأ بدون روند زمانی

گروه کشورهای عضو (OPEC)		متغیر
مرتبه انباشتگی	آماره t^* تعدیل شده (p - value)	
I(0)	-۲/۵۳۰۰ (۰/۰۰۵۷)*	GDPG _{it}
I(0)	-۱/۶۹۸۳ (۰/۰۴۴۷)*	CCOR _{it}
I(0)	-۱/۷۶۸۹ (۰/۰۳۸۵)*	GEFF _{it}
I(0)	-۴/۷۷۶۵ (۰/۰۰۰۰)*	VAA _{it}
I(0)	-۲/۴۵۹۰ (۰/۰۰۷۰)*	PSAV _{it}
I(0)	-۵/۸۱۰۳ (۰/۰۰۰۰)*	RQ _{it}
I(1)	-۰/۰۷۱۶ (۰/۴۷۱۵)	RL _{it}
I(0)	-۶/۶۷۸۴ (۰/۰۰۰۰)*	ΔRL_{it}

منبع: یافته‌های پژوهش

* نشان‌دهنده مانایی در سطح معنی‌داری ۰/۵

** نشان‌دهنده مانایی در سطح معنی‌داری ۰/۱۰

درجه آزادی آماره t ۷۹ است.

نتایج آزمون ریشه واحد حاکی است که متغیرهای $LOGPUBD_{i,t-1}$ و RL_{it} انباشتگی از مرتبه اول $I(1)$ دارند و متغیر INF_{it} دارای انباشتگی از مرتبه دوم $I(2)$ است و دیگر متغیرهای الگو در سطح معنی‌داری ۰/۵ مانا است. نتیجه آزمون ریشه واحد یک وقفه از متغیر INF_{it} یعنی $INF_{i,t-1}$ حاکی است که این متغیر انباشتگی از مرتبه اول $I(1)$ دارد.

نتایج آزمون هم‌انباشتگی پدرونی برای متغیرهای نامانای الگو در خصوص گروه کشورهای (OPEC) در سطح معنی‌داری ۵٪ حاکی از وجود هم‌انباشتگی میان آن‌ها است، به‌گونه‌ای که $p - value$ مربوط به هر چهار آمارهٔ دورن‌گروهی (پانل) و بین‌گروهی (گروه) فیلیپس - پرون^۱ (PP) و دیکی - فولر تعمیم‌یافته^۲ (ADF) تا چهار رقم اعشار برابر با (۰/۰۰۰۰) است؛ بنابراین فرض صفر (عدم وجود هم‌انباشتگی) آزمون پدرونی مردود است و وجود هم‌انباشتگی میان متغیرهای $LOGPUBD_{it}$ ، INF_{it-1} و RL_{it} به اثبات می‌رسد.

همچنین نتایج آزمون هم‌انباشتگی کائو برای تمام متغیرهای الگو در خصوص گروه کشورهای (OPEC)، هم‌انباشته‌بودن تمامی متغیرها اعم از مانا و نامانا را تأیید می‌کند به‌گونه‌ای که $p - value$ آمارهٔ دیکی - فولر تعمیم‌یافته در این آزمون تا چهار رقم اعشار برابر با (۰/۰۰۰۰) است؛ بنابراین فرض صفر (عدم وجود هم‌انباشتگی) آزمون کائو مردود است و وجود هم‌انباشتگی میان متغیرهای الگوی پژوهش به اثبات می‌رسد.

بنابر نتایج آزمون‌های هم‌انباشتگی پدرونی و کائو، به‌دلیل وجود هم‌انباشتگی میان متغیرهای نامانای الگو در خصوص گروه کشورهای (OPEC)، بدون تفاضل‌گیری از متغیرها نسبت به عدم وقوع رگرسیون کاذب اطمینان حاصل شد.

پس از تخمین الگوی رگرسیون به چهار روش GMM تفاضلی تک‌مرحله‌ای، GMM تفاضلی دو مرحله‌ای، GMM سیستمی تک‌مرحله‌ای و GMM سیستمی دو مرحله‌ای نتایج آزمون‌های تشخیصی آرلانو - باند و سارگان برای سنجش اعتبار متغیرهای ابزاری مورد استفاده در جدول شماره ۴ خلاصه شده است. نکته قابل توجه اینکه، روش گشتاورهای تعمیم یافته سیستمی - دو مرحله‌ای، به‌عنوان بهترین برآوردگر برای آزمون فرضیات پژوهش استفاده شده است و نتایج دیگر روش‌های تخمین تنها به‌منظور مقایسه ارائه شده است.

برای گروه کشورهای OPEC، بر اساس آزمون آرلانو - باند اعتبار متغیرهای ابزاری مورد استفاده در همهٔ روش‌های تخمین، به جز GMM تفاضلی دو مرحله‌ای، در سطح معنی‌داری ۵٪ تأیید می‌شود. در زمینهٔ روش GMM تفاضلی دو مرحله‌ای، هم اعتبار متغیرهای ابزاری در سطح معنی‌داری ۱۰٪ تأیید می‌شود؛ همچنین نتایج آزمون سارگان برای الگوی تخمین زده‌شده با استفاده از داده‌های این گروه از کشورها، حاکی است که ابزارهای مورد استفاده برای هر چهار روش تخمین در سطح معنی‌داری ۵٪ معتبر است.

1. Philips-Peron
2. Augmented Dickey-Fuller

جدول ۴. نتایج آزمون های آرانو - باند و سارگان برای معتبر بودن متغیرهای ابزاری

گروه کشورهای عضو (OPEC)			نوع برآورد
آزمون سارگان	آزمون آرانو – باند		
χ^2 آماره (p – value)	AR(2) z آماره (p – value)	AR(1) z آماره (p – value)	
۶۳/۸۷ (۰/۰۹۸)	-۰/۹۹ (۰/۳۲۳)	-۴/۰۴ (۰/۰۰۰)	One-Step Difference-GMM
۲۴/۷۹ (۰/۱۶۸)	-۰/۸۰ (۰/۴۲۶)	-۱/۷۴ (۰/۰۸۱)	Two-Step Difference-GMM
۴۶/۲۱ (۰/۰۷۹)	-۱/۴۷ (۰/۱۴۱)	-۳/۴۸ (۰/۰۰۱)	One-Step System-GMM
۴۶/۲۱ (۰/۰۷۹)	-۱/۳۰ (۰/۱۹۵)	-۲/۲۷ (۰/۰۲۳)	Two-Step Difference-GMM

منبع: یافته‌های پژوهش

درجه آزادی آماره کای دو، ۳۰ است

نتایج برازش الگوی پژوهش در خصوص گروه کشورهای OPEC به چهار روش تخمینی که پیش از این بیان شد، به ترتیب در جدول شماره ۵ ارائه شده است. نتایج برآوردها تفسیر، و فرضیه‌های پژوهش بر مبنای نتایج تخمین آزموده شده است. بر اساس آنچه در بخش تشخیص و تصحیح روابط آماری کاذب توضیح داده شد، در خصوص این گروه از کشورها برای رفع رگرسیون کاذب به جای متغیر تورم (INF_{it}) از مقادیر وقفه دار آن، یعنی تورم دوره گذشته ($INF_{i,t-1}$) استفاده شده است. در ادامه بر اساس نتایج تخمین‌ها و معنی داری ضرایب متغیرهای توضیحی به استنباط درباره عوامل مؤثر بر نسبت بدهی عمومی و آزمون فرضیه پژوهش پرداخته شده است.

در هر چهار روش تخمین از آنجا که مقدار سطح احتمال متناظر با آماره F برای معنی داری کلی رگرسیون کوچکتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین می‌توان گفت در سطح معنی داری ۰/۰۵، تمامی روش‌های تخمین به برآوردهای معنی دار از الگوی رگرسیون پژوهش دست یافته‌اند.

در هر چهار روش تخمین از آنجا که مقدار سطح احتمال متناظر با آماره t - استیودنت برای معنی داری ضریب وقفه متغیر وابسته کوچکتر از ۰/۰۵ است و علامت این ضریب مثبت است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در سطح معنی داری ۰/۰۵ برای کشورهای عضو اوپک OPEC در دوره زمانی مورد مطالعه، نسبت بدهی دوره قبل دارای اثر مثبت و معنی دار بر نسبت بدهی این دوره است. این مسئله بر آن دلالت دارد که نسبت بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی در گروه کشورهای OPEC به مسیر وابستگی دارد.

جدول ۵. نتایج تخمین الگوی رگرسیون پژوهش برای گروه کشورهای OPEC

$\text{LOGPUBD}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{LOGPUBD}_{i,t-1} + \alpha_2 \text{LOGPERCI}_{it} + \alpha_3 \text{LOGGEXP}_{it} + \alpha_4 \text{UNEMR}_{it} + \alpha_5 \text{INF}_{i,t-1} + \alpha_6 \text{GDPG}_{it} + \alpha_7 \text{CCOR}_{it} + \alpha_8 \text{GEFF}_{it} + \alpha_9 \text{VAA}_{it} + \alpha_{10} \text{PSAV}_{it} + \alpha_{11} \text{RQ}_{it} + \alpha_{12} \text{RL}_{it}$								مدل رگرسیون مربوط به کشورهای OPEC	
System – GMM				Difference – GMM				نماد متغیرها	نام متغیرها
Two – Step		One – Step		Two – Step		One – Step			
آماره t p – value	مقدار ضریب برآورد شده	آماره t p – value	مقدار ضریب برآورد شده	آماره t p – value	مقدار ضریب برآورد شده	آماره t p – value	مقدار ضریب برآورد شده		
۷/۵۴ (۰/۰۰۰)*	۱/۰۴۸۲	۱۶۷۰ (۰/۰۰۰)*	۰/۹۸۶۷	۶/۳۶ (۰/۰۰۰)*	۱/۱۳۲۹	۹/۸۲ (۰/۰۰۰)*	۱/۰۰۸۵	LOGPUBD _{i,t-1}	وقفه لگاریتم نسبت بدهی
۲/۱۱ (۰/۰۵۴)**	۴/۶۶۷	-۱/۶۵ (۰/۱۰۰)	-۰/۰۸۰۹	-۰/۶۱ (۰/۵۵۲)	-۰/۶۳۷۲	۰/۱۴ (۰/۸۹۷)	۰/۰۵۸۳	LOGPERCI _{it}	لگاریتم درآمد سرانه
۴/۰۰ (۰/۰۰۱)*	۰/۴۵۶۹	۳/۹۷ (۰/۰۰۰)*	۰/۳۰۲۵	۱/۸۳ (۰/۰۸۶)**	۰/۹۱۸۵	۴/۸۷ (۰/۰۰۰)*	۰/۹۱۹۶	LOGGEXP _{it}	لگاریتم نسبت مخارج
-۱/۲۰ (۰/۲۴۹)	-۰/۰۲۹۷	۰/۰۹ (۰/۹۲۷)	۰/۰۰۰۶	۱/۴۹ (۰/۱۵۸)	۰/۰۵۸۳	۱/۰۳ (۰/۳۰۶)	۰/۰۲۹۹	UNEMR _{it}	نرخ بیکاری
-۰/۵۱ (۰/۶۱۹)	-۰/۰۰۳۰	-۱/۹۶ (۰/۰۵۲)**	-۰/۰۰۲۵	-۰/۸۴ (۰/۴۱۵)	-۰/۰۰۲۸	-۰/۳۶ (۰/۷۲۲)	-۰/۰۰۰۹	INF _{i,t-1}	وقفه نرخ تورم
-۸/۵۶ (۰/۰۰۰)*	-۰/۰۲۶۵۰	-۹/۸۰ (۰/۰۰۰)*	-۰/۰۲۲۰	-۳/۵۸ (۰/۰۰۳)*	-۰/۰۲۱۱	-۶/۲۸ (۰/۰۰۰)*	-۰/۰۲۰۵	GDPG _{it}	نرخ رشد اقتصادی
-۱/۹۳ (۰/۰۷۴)**	-۰/۰۱۳۷	۰/۶۳۴ (۰/۷۳۵)	۰/۰۵۱۴	-۰/۶۴ (۰/۵۳۰)	-۰/۵۰۲۲	۰/۹۶ (۰/۳۳۷)	۰/۰۳۶۹	CCOR _{it}	کنترل فساد
-۰/۱۸ (۰/۸۶۲)	-۰/۱۸۲۸	۰/۹۴ (۰/۳۴۸)	۰/۱۳۳۷	۰/۶۰ (۰/۵۵۸)	۰/۲۴۷۳	۲/۱۴ (۰/۰۳۴)*	۰/۶۷۵۶	GEFF _{it}	اثر بخشی دولت
۱/۵۰ (۰/۱۵۵)	۰/۵۲۶۳	-۰/۳۲ (۰/۷۴۸)	-۰/۰۲۰۷	۰/۰۵ (۰/۹۵۷)	۰/۱۲۱۴	-۰/۸۱ (۰/۴۱۷)	-۰/۲۵۸۵	VAA _{it}	ظهور نظر و پاسخ گویی
-۲/۱۰ (۰/۰۵۵)**	-۲/۲۸۱۴	۱/۲۰ (۰/۲۳۳)	۰/۰۶۱۶	-۱/۸۵ (۰/۰۸۴)**	-۰/۸۰۱۱	-۳/۰۴ (۰/۰۰۳)*	-۰/۵۹۷۵	PSAV _{it}	ثبات سیاسی
۱/۹۸ (۰/۰۶۷)**	۲/۰۳۴۶	-۱/۱۳ (۰/۲۶۲)	-۰/۱۳۸۲	۰/۶۵ (۰/۵۲۸)	۱/۰۱۹۹	۲/۱۹ (۰/۰۳۰)*	۰/۶۶۹۲	RQ _{it}	کیفیت مقررات
-۱/۱۸ (۰/۲۵۸)	-۲/۱۸۹۲	-۰/۰۱ (۰/۹۹۱)	-۰/۰۰۱۹	۱/۷۳ (۰/۱۰۴)	۲/۵۱۳۱	-۱/۳۳ (۰/۱۸۵)	-۰/۵۱۸۷	RL _{it}	حاکمیت قانون
-۲/۱۵ (۰/۰۴۹)*	-۴۹/۹۱۵۶	-۰/۱۱ (۰/۹۱۴)	-۰/۰۵۳۵	-	ندارد	-	ندارد	جزء ثابت	
۱۷۹/۲۱ (۰/۰۰۰)*	-	۶۹/۵۷ (۰/۰۰۰)*	-	۱۷۶۲/۶۷ (۰/۰۰۰)*	-	۲۳/۷۰ (۰/۰۰۰)*	-	آماره F	

در خصوص لگاریتم درآمد سرانه LOGPERCI_{it} ، تنها در روش تخمین GMM سیستمی دومرحله‌ای در سطح معنی‌داری ۱۰٪، ضریب این متغیر مثبت (۲/۱۱) و معنی‌دار است. با توجه به مثبت‌بودن این ضریب می‌توان استنباط کرد طی دوره زمانی مورد مطالعه در گروه کشورهای عضو OPEC ، افزایش درآمد سرانه - به دلیل افزایش پس‌اندازهای بخش خصوصی و افزایش امکان استفاده از قرضه عمومی - به افزایش در نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی منجر شده است. ضریب لگاریتم نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی LOGGEXP_{it} ، در سطح ۵٪ معنی‌دار است؛ همچنین علامت این ضریب (۴/۰) مثبت است. این یافته‌ها دلالت بر آن دارد که در گروه کشورهای عضو OPEC طی دوره زمانی مورد مطالعه، با افزایش نسبت مخارج دولتی به تولید ناخالص داخلی، نیاز دولت، به استفاده از روش‌های استقراضی برای تأمین منابع مالی بیشتر شده است و در نتیجه نسبت بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد.

ضریب نرخ بیکاری UNEMR_{it} فاقد معنی‌داری آماری است، به این مفهوم که در گروه کشورهای عضو OPEC طی دوره زمانی مورد مطالعه، تشدید رکود و افزایش بیکاری تأثیری بر تصمیمات مالی دولت‌ها در زمینه استفاده از منابع استقراضی برای تأمین مالی مخارج خود نمی‌گذارد. این یافته شاید به این دلیل باشد که اغلب دولت در کشورهای عضو OPEC هنوز در تعریف دولت مدرن (که یکی از وظایف اصلی آن تثبیت اقتصاد ملی) جای نمی‌گیرند (آقایی و همکاران، ۱۳۹۷).

ضریب نرخ تورم سال گذشته $\text{INF}_{i,t-1}$ فاقد معنی‌داری آماری است. با توجه به منفی‌بودن این ضریب در گروه کشورهای عضو OPEC طی دوره زمانی مورد مطالعه، می‌توان استنباط کرد، شاید از آن‌جا که بر اساس اطلاعات تاریخی در کشورهای متکی بر درآمدهای نفتی، نرخ تورم با نسبت بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی ارتباط معناداری نداشته است.

در مورد نرخ رشد اقتصادی GDPG_{it} ، ضریب این متغیر منفی (۸/۵۶-) و در سطح ۵٪ معنی‌دار است. در گروه کشورهای عضو OPEC طی دوره زمانی مورد مطالعه، این یافته می‌تواند حاکی از آن باشد که افزایش نرخ رشد اقتصادی سبب می‌شود منابع غیر استقراضی دولت‌ها (از طریق افزایش پایه‌های مالیاتی و درآمدهای نفتی) افزایش یابد و در نتیجه دولت‌ها کمتر به تأمین مالی از طریق استقراض روی بیاورند؛ همچنین به‌طور متقابل کاهش نرخ رشد اقتصادی سبب می‌شود منابع غیر استقراضی دولت‌ها (از طریق کاهش پایه‌های مالیاتی و درآمدهای نفتی) کاهش یابد و در نتیجه دولت‌ها بیشتر به تأمین مالی از طریق استقراض روی بیاورند.

در زمینه فرضیه اصلی «شاخص کیفیت حکمرانی دارای تأثیر منفی و معنی‌دار بر بدهی عمومی کشورهای عضو OPEC است.» که شش زیرفرضیه را متناظر با شش مؤلفه شاخص حکمرانی جهانی WGI شامل می‌شود. نکته قابل بیان اینکه، روش گشتاورهای تعمیم یافته سیستمی - دومرحله، به‌عنوان بهترین برآوردگر برای آزمون فرضیات پژوهش استفاده شده است و نتایج دیگر روش‌های تخمین تنها به‌منظور مقایسه ارائه شده است. کارآمدی آزمون‌های آماری و متغیرهای ابزارهای مورد استفاده، به پیش‌بینی‌کننده‌های مؤثری برای متغیرهای درون‌زا منجر می‌شود (برن و ویندمیجر^۱، ۲۰۱۰).

فرضیه اول (مربوط به مؤلفه اظهار نظر و پاسخ‌گویی)، در گروه کشورهای عضو OPEC طی دوره زمانی مورد مطالعه، ضریب برآوردی معنادار نیست و در نتیجه رد می‌شود. تأثیرگذار نبودن مؤلفه اظهار نظر و پاسخ‌گویی بر بدهی عمومی دلالت بر آن دارد که در کشورهای مورد بررسی سازمان مالی دولت‌ها، ارتباطی با قواعد مشارکت در انتخاب دولت حاکم، آزادی بیان و دیگر آزادی‌های مدنی ندارد، بنابر این نتایج در کشورهای OPEC تحت هر شکل از ساختار حکومت و با هر درجه از آزادی بیان، دولت‌ها می‌توانند در تدوین و اجرای سیاست‌های اقتصادی‌شان کارا یا ناکارا رفتار کنند. یکی از دلایل این امر وابستگی دولت‌ها به درآمدهای غیرمالیاتی است، که این امر سبب می‌شود مشارکت مدنی شهروندان تأثیر اندکی بر تجهیز منابع غیر استقراضی دولت‌ها داشته باشد (سپهردوست و همکاران، ۱۳۹۴).

فرضیه دوم (مربوط به مؤلفه ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت/تروریسم)، در گروه کشورهای عضو OPEC طی دوره زمانی مورد مطالعه، در سطح ۵٪ معنادار و ضریب برآوردی، علامت منفی (۲/۱-) دارد. این یافته دلالت بر آن دارد که ثبات سیاسی و نبود خشونت، تأثیر منفی و معنی‌دار بر بدهی عمومی کشورهای عضو OPEC دارد؛ به این معنی که، افزایش ثبات سیاسی و کاهش خشونت سبب کاهش نسبت بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی می‌شود. یک دلیل این مسئله افزایش بدهی عمومی در نتیجه افزایش هزینه‌های رویارویی با تروریسم است. دلیل دیگر این است که کشورهایی که نظام سیاسی آن‌ها با بحران مشروعیت^۲ روبه‌رومواجه می‌شود، برای رویارویی با این بحران و تثبیت حاکمیت خود، هزینه‌های زیادی را صرف تقویت ایدئولوژی حاکم، سرکوب

1. Bun & Windmeijer
2. Legitimation crisis

کنش‌های اجتماعی و همسویی با قدرت‌های جهانی به‌منظور حفظ مشروعیت بین‌المللی خود می‌کنند.

فرضیه سوم (مربوط به مؤلفه اثربخشی)، در گروه کشورهای عضو OPEC طی دوره زمانی مورد مطالعه، ضریب برآوردی معنادار نیست و در نتیجه رد می‌شود.

در مورد فرضیه چهارم (مربوط به مؤلفه کیفیت مقررات)، در گروه کشورهای عضو OPEC طی دوره زمانی مورد مطالعه، ضریب برآوردی در سطح معنی‌داری ۱۰٪ معنادار، اما علامت مثبت (۱/۹۸) دارد؛ لذا این فرضیه نیز رد شود. این یافته دلالت بر آن دارد که کیفیت مقررات تأثیر مثبت و معنی‌دار بر بدهی عمومی کشورهای عضو OPEC دارد؛ به این معنی که افزایش کیفیت مقررات سبب افزایش نسبت بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی می‌شود.

فرضیه پنجم (مربوط به حاکمیت قانون)، در گروه کشورهای عضو OPEC طی دوره زمانی مورد مطالعه، به دلیل معنادار نبودن ضریب برآوردی، رد می‌شود. تأثیرگذار نبودن مؤلفه حاکمیت قانون بر بدهی عمومی دلالت بر آن دارد که در کشورهای مورد بررسی هزینه و درآمد دولت‌ها، تحت تأثیر کیفیت اجرای قراردادها، حقوق مالکیت، پلیس، دادگاه و جرائم اجتماعی نیست. هرچند این موضوع با انتظارات نظری پژوهشگر مطابقت ندارد، اما می‌توان دلیل این عدم ارتباط را این‌گونه عنوان کرد که حاکمیت قانون، دو تأثیر متقابل در هزینه‌های دولت دارد. از یک‌سو، حرکت به سمت تحقق بیشتر حاکمیت قانون، هزینه‌های مبادله را برای فعالیت‌های دولت افزایش می‌دهد و درآمدهای نامشروع دولت (از طریق تحصیل درآمدهایی به‌واسطه سلب مالکیت یا مالیات تورمی) را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر تحقق بیشتر حاکمیت قانون سبب کاهش هزینه‌های ناشی از جرایم اجتماعی و اقتصادی مانند فرار مالیاتی، اختلاس و ارتشا خواهد شد.

فرضیه ششم (مربوط به مؤلفه کنترل فساد)، در گروه کشورهای عضو OPEC طی دوره زمانی مورد مطالعه، در روش تخمین GMM سیستمی دو مرحله‌ای در سطح معنی‌داری ۱۰ درصد پذیرفته شده است و علامت منفی (۱/۹۳-) دارد. این یافته دلالت بر آن دارد که کنترل فساد تأثیر منفی و معنی‌دار بر بدهی عمومی کشورهای عضو OPEC دارد؛ به این معنی که کاهش شفافیت و افزایش فساد سبب افزایش نسبت بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی می‌شود و کنترل آن نسبت بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی را کاهش می‌دهد. جدول ذیل نتایج به‌دست‌آمده از برازش الگو برای دو گروه کشورهای OPEC به‌صورت تطبیقی با یکدیگر مقایسه شده است.

جدول ۸. خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌ها

زیرفرضیه‌ها	مؤلفه حکمرانی	GMM تفاضلی		GMM سیستمی	
		تک مرحله‌ای	دو مرحله‌ای	تک مرحله‌ای	دو مرحله‌ای
زیرفرضیه اول	حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی	رد	رد	رد	رد
زیرفرضیه دوم	ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت/تروریسم	قبول**	قبول**	رد	قبول**
زیرفرضیه سوم	اثربخشی دولت	رد	رد	رد	رد
زیرفرضیه چهارم	کیفیت مقررات	قبول**	رد	رد	رد**
زیرفرضیه پنجم	حاکمیت قانون	رد	رد	رد	رد
زیرفرضیه ششم	کنترل فساد	رد	رد	رد	قبول**

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، به‌طور ویژه مطالعه تأثیر حکمرانی بر انباشت بدهی عمومی است. هدف اصلی این مطالعه، بررسی تأثیر کیفیت حکمرانی (کیفیت نهادی) بر انباشت بدهی عمومی است. با شش مؤلفه (حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت/تروریسم، تأثیرگذاری دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد)، چگونگی تأثیر کیفیت حکمرانی بر حجم بدهی عمومی کشورهای عضو OPEC بررسی شده است. با توجه به ماهیت ترکیبی بودن داده‌های آماری، الگوی پژوهش با روش تخمین گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) و سیستمی - دو مرحله‌ای برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است.

از آنجا که بهبود عملکرد نظام مالیاتی به افزایش منابع درآمدی دولت و در نتیجه کاهش کسری‌های بودجه و بدهی عمومی منجر می‌شود، یافته‌های مربوط به هر دو فرضیه پذیرفته‌شده که تأثیر مثبت و معنی‌دار بهبود شاخص‌های ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت/تروریسم، تأثیرگذاری دولت و کنترل فساد بر کاهش نسبت بدهی عمومی را به اثبات می‌رساند، با نتایج مطالعه ایزدخواستی (۱۳۹۵) که نشان می‌دهد شاخص درک فساد و شاخص حکمرانی خوب بر عملکرد نظام مالیاتی در کشورهای منتخب در دوره سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۰۲ تأثیر مثبت دارد و با نتایج مطالعه مهرآرا و همکاران (۱۳۹۴) که نشان می‌دهد شاخص‌های ثبات سیاسی، کیفیت قوانین و مقررات و کنترل فساد، در کشورهای منطقه منا (غرب آسیا و شمال آفریقا) طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۱۹۹۶، تأثیر مثبت و معنی‌دار بر ظرفیت مالیاتی دارد، سازگار است؛ همچنین یافته‌ها با مطالعه متفکر آزاد و همکاران (۱۳۹۲)

مطابقت دارد که حاکی از تأثیر مثبت چگونگی حکمرانی بر تولید ناخالص داخلی در ایران و ۷۴ کشور دنیا در سال ۲۰۰۸ است.

شاخص‌های حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی، اثربخشی دولت و حاکمیت قانون هیچ تأثیر معناداری بر سطح انباشت بدهی‌های دولت ندارد و در مورد کیفیت مقررات هم، حتی سبب افزایش انباشت بدهی‌های عمومی می‌شود.

این یافته‌ها پیامدهای مهمی برای سیاست‌گذاران این کشورها دارد که اکنون به دلیل هزینه‌های زیاد جنگ و حملات تروریستی، قیمت پایین نفت و کاهش تجارت با عدم تعادل‌های مالی و خارجی عمده‌ای روبه‌رو هستند. مدیریت صحیح بدهی عمومی دولت، وظیفه‌ای فوری است؛ به‌ویژه اینکه مشکلات مدیریت بدهی عمومی بیشتر در توجه‌نکردن سیاست‌گذاران به هزینه‌های حکمرانی بد و مدیریت ضعیف اقتصاد کلان ریشه دارد.



فهرست منابع

- امیری، بهزاد و شاه‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۴). تأثیر نهادها بر توسعه کشورهای اسلامی عضو گروه دی هشت، *نظریه‌های کاربردی اقتصاد* ۲(۳): ۱۱۸-۹۳.
- آقایی، مجید؛ کوهبر، محمد امین و احمدی‌نژاد، حسین (۱۳۹۷). ثبات مالی و عملکرد اقتصادی: مطالعه موردی کشورهای عضو اوپک، *اقتصاد و الگوسازی*، ۹(۲): ۶۵-۲۹.
- ایزدخواستی، حجت (۱۳۹۵). تحلیل تأثیر فساد و کیفیت حکمرانی بر عملکرد نظام مالیاتی: رویکرد داده‌های تابلویی پویا، *سیاستگذاری پیشرفت اقتصادی*، ۱۰(۴): ۹۳-۱۱۸.
- سپهردوست، حمید؛ رجبی، فهیمه و باروتی، مهسا (۱۳۹۴). بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر عملکرد درآمدی نظام مالیاتی، *نظریه‌های کاربردی اقتصاد* ۲(۲): ۱۲۶-۱۰۳.
- گجراتی، دامور (۱۳۸۵). *مبانی اقتصادسنجی*، ترجمه حمید ابریشمی، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- متفکر آزاد، محمدعلی؛ اسدزاده، احمد و گرشاسبی، سعید (۱۳۹۲). تأثیر حکمرانی خوب بر تولید ناخالص داخلی، *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۲(۱): ۱۲۵-۱۴۳.
- مهرآرا، محسن؛ معینی‌فرد، مژگان و مهربانی، وحید (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر ظرفیت مالیاتی در کشورهای منطقه منا با تأکید بر حکمرانی خوب، *راهبرد اقتصادی*، ۳(۱۲): ۱۲۹-۱۵۲.

References

- Al-Marhubi, F. A. (2000). Corruption and inflation. *Economics Letters*, 66(2), 199-202.
- Alt, J. E., & Dreyer Lassen, D. (2003). **Fiscal transparency and fiscal policy outcomes in OECD countries** (No. 2003-02). EPRU Working Paper Series.
- Arellano, M., & Bond, S. (1991). Some tests of specification for panel data: Monte Carlo evidence and an application to employment equations. *The review of economic studies*, 58(2), 277-297.
- Arellano, M., & Bover, O. (1995). Another look at the instrumental variable estimation of error-components models. *Journal of econometrics*, 68(1), 29-51.
- Asiedu, E. (2003). Debt relief and institutional reform: a focus on Heavily Indebted Poor Countries. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 43(4), 614-626.
- Baltagi, B. (2011). *Econometric analysis of panel data*. John Wiley & Sons.
- Barro, R. J. (1979). On the determination of the public debt. *Journal of political Economy*, 87(5, Part 1), 940-971.
- Battaglini, M., & Coate, S. (2008). A dynamic theory of public spending, taxation, and debt. *American Economic Review*, 98(1), 201-36.
- Belloumi, M., Aljazea, A., & Alshehry, A. (2023). Study of the impact of crude oil prices on economic output and inflation in Saudi Arabia. *Resources Policy*, 86, 104179.

Blundell, R., Duncan, A., McCrae, J., & Meghir, C. (2000). The labour market impact of the working families' tax credit. **Fiscal studies**, 21(1), 75-104.

Briceño, H. R., & Perote, J. (2020). Determinants of the public debt in the Eurozone and its sustainability amid the Covid-19 pandemic. **Sustainability**, 12(16), 6456.

Brunetti, A., Kisunko, G., & Weder, B. (1998). Credibility of rules and economic growth: Evidence from a worldwide survey of the private sector. **The World Bank Economic Review**, 12(3), 353-384.

Campos, J. E., Lien, D., & Pradhan, S. (1999). The impact of corruption on investment: Predictability matters. **World development**, 27(6), 1059-1067.

Cooray, A., Dzhumashev, R., & Schneider, F. (2017). How does corruption affect public debt? An empirical analysis. **World development**, 90, 115-127.

Cukierman, A., & Meltzer, A. H. (1989). A political theory of government debt and deficits in a neo-Ricardian framework. **The American Economic Review**, 713-732.

Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2011). The worldwide governance indicators: Methodology and analytical issues1. **Hague journal on the rule of law**, 3(2), 220-246.

Kim, E., Ha, Y., & Kim, S. (2017). Public debt, corruption and sustainable economic growth. **Sustainability**, 9(3), 433.

Sani, A., Said, R., Ismail, N. W., & Mazlan, N. S. (2019). Public debt, institutional quality and economic growth in Sub-Saharan Africa. **Institutions and Economies**, 39-64.

Tarek, B. A., & Ahmed, Z. (2017). Institutional Quality and Public Debt Accumulation: An Empirical Analysis. **International Economic Journal**, 31(3), 415-435. <https://doi.org/10.1080/10168737.2017.1354906>.

Bun, M. J., & Windmeijer, F. (2010). The weak instrument problem of the system GMM estimator in dynamic panel data models. **The Econometrics Journal**, 13(1), 95-126.

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

